

بین‌المللی شده است. به‌گونه‌ای که جز در موارد استثنایی مانند ماده ۲۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی، همان احکام قانون مدنی (مصوب ۱۳۱۳) بر روابط حقوقی کنونی اجرا می‌شود. عدم همگامی حقوق با ضرورت‌های اقتصادی و تجاری لطامات فراوانی بر بازرگانی بین‌المللی وارد می‌کند. به‌خصوص اینکه این قواعد حل تعارض در کشورهای مبدأ که موضوع اقتباس قانونگذار ایران بوده، دچار تحولات فراوان شده است.

در میان مباحث اساسی بین‌الملل خصوصی یعنی تعارض دادگاه‌ها، تعارض قوانین و شناسایی و اجرای احکام خارجی، تعارض دادگاه‌ها بسیار بیشتر مهجور افتاده است؛ در حالی که قواعد تعارض دادگاه‌ها در همه مباحث دیگر این رشته تأثیری قاطع دارد.

در مقام تعارض دادگاه‌ها برای صلاحیت قضایی بین‌المللی که راجع به دعاوی دارای عنصر خارجی است جز در ماده ۹۷۱ قانون مدنی قاعده اختصاصی وجود ندارد. مطابق این ماده دعاوی از حیث صلاحیت محاکم و اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آنجا اقامه می‌شود. مطرح بودن همان دعوی در محکمه اجنبی، رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود. بنابراین، باید از همان قواعد صلاحیت که در دعاوی داخلی رایج است و در ماده ۱۱ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی آمده است، در مسائل بین‌المللی استفاده شود.

حال این سؤال مطرح می‌شود که: آیا صلاحیت مبتنی بر توافق اصحاب دعوی، در حقوق ایران پذیرفته است؟ آیا طرفین یک قرارداد بین‌المللی می‌توانند در قرارداد خود صرف‌نظر از محل اقامت خواننده، محل وقوع عقد یا محل اجرای تعهد و نیز سایر عناوین صلاحیت، دادگاه محل خاصی را به عنوان دادگاه واجد صلاحیت معرفی کنند؟

سال ۱۳۹۲ رأی جالبی در همین موضوع در شعبه ۲۷ دادگاه عمومی تهران صادر شد و در شعبه ۳ دادگاه تجدیدنظر مورد تأیید قرار گرفت. متن آراء مزبور که این مقاله به نقد و بررسی موضوع آن اختصاص دارد به شرح زیر است:

توافق بر دادگاه صالح در قراردادهای بین‌المللی: توجیه و نقد رویه قضایی

رضا مقصودی*

مشخصات رأی

شماره دادنامه: ۱۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۳۰۰۲۴۸

تاریخ صدور رأی: ۱۳۹۲/۲/۳۰

خواهان: الف. الف. ف.

خوانده: ان. جی.

خواسته: اعلام بطلان قرارداد به دلیل مخالفت با قوانین آمره

مرجع رسیدگی: شعبه ۲۷ دادگاه عمومی حقوقی تهران و شعبه ۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۱. وقایع پرونده

مباحث حقوق بین‌الملل خصوصی عمدتاً با ترجمه از کشورهای اروپایی وارد حقوق ما شده است. به‌طوری که در ابواب فقه مباحث خاصی درباره تعارض قوانین یا تعارض دادگاه‌ها نمی‌توان یافت. نویسندگان بین‌الملل خصوصی نیز تحت تأثیر حقوق خارجی به نظریه پردازی و تبیین مطالب خود روی آورده‌اند. قدیمی بودن قواعد حل تعارض در قانون مدنی موجب ایستایی و رکود در ابعاد حقوقی روابط

* عضو هیأت علمی دانشگاه گیلان

rmaghsoody@guilan.ac.ir

۱. پژوهشگاه فقه قضاییه، مجموعه آرای قضایی دادگاه تجدیدنظر استان تهران (حقوقی)، (اداره انتشار رویه قضایی کشور، اردیبهشت ۱۳۹۲)، ص ۱۱۳.

متن رأی دادگاه بدوی

در خصوص دعوی شرکت الف.الف.ف. (سهامی خاص) به طرفیت خواننده N.G. با وکالت آقای الف.ش. و خانم ش.م. به خواسته اعلام بطلان قرارداد مورخ ۲۰۰۵/۳/۲۴ به دلیل مخالفت با قوانین آمره را اقامه نمودند. دادگاه بدون ورود در ماهیت دعوی به این استدلال که ماده ۹۶۸ از قانون مدنی در باب تعهدات حاصل از عقود می‌باشد و ارتباطی با توافق طرفین در مورد مراجعه به حل اختلاف ندارد و تمسک به قوانین ملی نباید مخالف با نظم نوین بین‌المللی باشد و قرارداد فوق‌الذکر با یک تبعه آلمانی منعقد شده است و با وجود عنصر خارجی، دعوی بین‌المللی محسوب می‌شود و در ماده ۱۱ قرارداد فوق‌الذکر طرفین به صراحت توافق نموده‌اند که هرگونه اختلاف ناشی از قرارداد در دادگاه واجد شرایط برلین مورد رسیدگی قرار گیرد و اینکه اساساً این قرارداد نیز صحیح یا باطل می‌باشد در صلاحیت دادگاه اخیرالذکر است. در نتیجه، دادگاه با استناد به ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۱۰ قانون مدنی، دعوی خواهان را در دادگاه ایرانی قابل استماع نمی‌داند و قرار رد آن را صادر و اعلام می‌دارد. قرار صادره ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ، قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر تهران است.

متن رأی دادگاه تجدیدنظر

تجدیدنظرخواهی شرکت الف.الف.ف. (سهامی خاص) با وکالت خانم ش.م. به طرفیت شرکت ن. (آلمانی) نسبت به دادنامه شماره ۹۱۰۱۱۸۹ مورخ ۹۱/۱۱/۸ صادره از شعبه ۲۷ محاکم عمومی حقوقی تهران که به موجب آن، قرار عدم استماع دعوی نخستین تجدیدنظرخواه به خواسته اعلان بطلان قرارداد ۸۴/۱/۴ به دلیل مخالفت با قوانین آمره صادر شده است انطباقی با جهات درخواست تجدیدنظر مندرج در ماده ۳۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی ندارد و دادنامه یادشده با محتویات پرونده و رعایت مقررات و اصول و قواعد دادرسی و موازین قانونی صادر شده و در این مرحله از رسیدگی، دلیل جدیدی که مستلزم نقض دادنامه مذکور باشد اقامه نشده لذا با رد اعتراض، دادنامه تجدیدنظرخواسته را طبق ماده ۳۵۳ قانون مرقوم تأیید می‌نماید. رأی صادره قطعی است.

۲. نقد و بررسی

مسئله اعتبار توافق اشخاص خصوصی بر دادگاه صالح از آن رو واجد اهمیت است که: اولاً، قانون آیین دادرسی مدنی ایران (مصوب ۱۳۷۹)، هیچ حکمی در این موضوع ندارد؛ در حالی که قانون سابق آیین دادرسی مدنی (مصوب ۱۳۱۸) در ماده ۴۴ توافق برخلاف صلاحیت محلی را مجاز می‌شمرد؛ ثانیاً، این شرط اعتبار، آثار مهمی بر متعاقدین دارد. صحت و سقم رابطه طرفین و آثار ناشی از قرارداد، متأثر از این شرط است. با تغییر دادگاه صالح از یک کشور به کشور دیگر، قانون حاکم تغییر می‌کند. به علاوه، بی‌اعتباری شرط و نادیده گرفتن آن، تعادل و توازن قرارداد را بر هم می‌زند و به نتایج ناعادلانه منتهی می‌شود. در واقع، طرفین با پذیرش این شرط در میان خود دست به مبادله زده‌اند و یک طرف با پذیرش این شرط - که به نفع طرف مقابل است - امتیازاتی را به عنوان مابه‌ازای آن دریافت کرده است. آراء صادرشده در خصوص تعارض دادگاه‌ها و صلاحیت بین‌المللی، حاوی نکات مهمی است که در ادامه مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

الف - اعمال ماده ۹۶۸ قانون مدنی

دقت نظر دادگاه در تفکیک قواعد تعارض دادگاه‌ها از تعارض قوانین درخور ستایش است. خواهان برای ابطال توافق‌نامه انتخاب دادگاه به مخالفت توافق مذکور با ماده ۹۶۸ قانون مدنی استناد کرده بود. بر طبق این ماده تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است مگر اینکه متعاقدین، اتباع خارجه بوده باشند و آن را صراحتاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار دهند. به این ترتیب، در مقام تعیین قانون حاکم در دسته ارتباط قراردادها اصل بر قانون محل وقوع عقد است. تبعیت از قانون منتخب طرفین، صرفاً در جایی توسط دادگاه‌های ایران قابل پذیرش است که طرفین قرارداد هر دو اتباع خارجی باشند. ماده ۹۶۸ قانون مدنی مباحث زیادی را برانگیخته و سلب حق انتخاب اتباع ایرانی انتقادات زیادی را موجب شده است. خصوصاً درباره امری یا تکمیلی بودن عامل محل وقوع عقد در دسته قراردادهای تحلیل‌های فراوانی وجود دارد،^۱ اما به‌طور

۱. نجادعلی الماسی، حقوق بین‌الملل خصوصی، (تهران: انتشارات میزان، چاپ سوم، ۱۳۸۴)، ص ۳۴۳.

نظام حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام، هسته مرکزی نظم عمومی بین‌المللی را تشکیل می‌دهد.^۱ این تعریف که ناظر به حقوق بین‌الملل عمومی و روابط بین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است نمی‌تواند در مسائل بین‌الملل خصوصی و انتخاب دادگاه صالح در روابط خصوصی فرامرزی مورد استفاده قرار گیرد. به نظر می‌رسد که دادگاه رسیدگی کننده به نظم عمومی فراملی توجه داشته است که در حوزه تجارت بین‌الملل و داوری تجاری بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد. منظور از نظم عمومی فراملی، برخی اصول اساسی مشترک میان اغلب نظام‌های حقوقی و تجارت بین‌الملل می‌باشد که مقبولیت عام یافته است. اگرچه برخی صاحب‌نظران با یادآوری ابهام در مفهوم این اصطلاح از آن انتقاد نموده و برخی وجود آن را مورد انکار قرار داده‌اند.^۲

آیا حاکمیت اراده در انتخاب دادگاه صالح جزو اصول اساسی مشترک در نظام‌های حقوقی ملی است؟ اصولاً هیچ دادگاه بین‌المللی برای رسیدگی به اختلافات ناشی از روابط خصوصی بین‌المللی وجود ندارد و دادگاه‌های داخلی به این‌گونه دعاوی متضمن عنصر خارجی رسیدگی می‌نمایند. مطالعه منابع حقوق بین‌الملل نشان می‌دهد که نه معاهدات بین‌المللی و نه رویه قضایی بین‌المللی و نه عرف و عادت و نه هیچ منبع دیگر حقوق بین‌الملل، مبین تجویز یا منع نوع خاصی از قواعد صلاحیت نیست. درواقع، قواعد صلاحیت همچنان براساس منافع ملی و مصالح داخلی کشورها در مراجع داخلی تعیین می‌شود و حقوق بین‌الملل کاملاً نسبت به آن خنثی است. به‌طوری‌که هیچ‌گونه نظم نوین بین‌المللی، پیرامون قواعد صلاحیت شکل نگرفته است. اگرچه در سطح منطقه‌ای در میان کشورهای عضو

مسلم این مباحث از حیثه شرط انتخاب دادگاه صالح خارج است. ماده مزبور را تنها می‌توان از حیث انتخاب قانون حاکم و ارزیابی میزان اعتبار توافق، اعمال کرد ولی درخصوص انتخاب دادگاه صالح، این ماده متضمن هیچ حکمی نیست. تفاوت قواعد صلاحیت قضایی و صلاحیت قانونی یکی از مقدمات ایجاد بین‌الملل خصوصی است. دادگاه با قید اینکه ماده فوق‌الذکر ارتباطی با توافق طرفین درمورد مراجعه به مرجع حل اختلاف ندارد، این تفکیک را مورد تأیید قرار داد.

اگرچه استناد خواهان به ماده ۹۶۸ قانون مدنی برای بطلان شرط انتخاب دادگاه صالح، نادرست است اما باید توجه داشت که اهمیت و آثار شرط دادگاه صالح در بسیاری از موارد بیشتر از شرط انتخاب قانون حاکم بر قرارداد می‌باشد زیرا قانون حاکم با توجه به دادگاه صالح تغییر می‌کند و هر دادگاهی با اعمال قواعد حل تعارض کشور متبوع خود به تعیین قانون ماهوی قابل اعمال می‌پردازد. بنابراین، می‌توان عملاً تصور نمود که انتخاب دادگاه صالح وسیله‌ای برای تحقق قانون مطلوب طرفین باشد و به‌طور غیرمستقیم به انتخاب قانون حاکم منجر شود و اعمال ماده ۹۶۸ قانون مدنی را عقیم گذارد.

ب- نظم نوین بین‌المللی

به‌زعم دادگاه، تمسک به قوانین ملی نباید مخالف با نظم نوین بین‌المللی باشد. قرارداد فوق‌الذکر با یک تبعه آلمانی منعقد شده است و با وجود عنصر خارجی دعوی بین‌المللی محسوب می‌شود.

مرجع رسیدگی با توجه به تابعیت خارجی یکی از طرفین قرارداد، دعوی را واجد وصف بین‌المللی می‌داند. البته تابعیت به عنوان یک عنصر خارجی می‌تواند به رابطه طرفین، وجهه بین‌المللی اعطاء کند. بنابراین، دعوی در قلمرو بین‌الملل خصوصی قرار می‌گیرد، اما آیا این وصف بین‌المللی، وجود قواعد جداگانه‌ای برای صلاحیت را توجیه می‌کند یا اینکه چنین توافقی به‌طور کلی در حوزه حقوق داخلی هم معتبر است؟

منظور از نظم نوین بین‌المللی چیست؟ «نظم عمومی بین‌المللی» و «نظم عمومی فراملی» از واژگان متداول در روابط بین‌المللی است. مطابق یک تعریف، نظم عمومی بین‌المللی شامل آن دسته از اصول و قواعد بین‌المللی است که اساس

۱. مهدی حدادی، «مقایسه مفهوم و کارکرد نظم عمومی در نظام حقوق بین‌الملل با نظام‌های حقوقی

ملی»، نشریه حقوق خصوصی، سال هفتم، ش ۱۶، (بهار و تابستان ۱۳۸۹): ص ۱۶۲.

۲. مرتضی شهبازی‌نیا، محمد عیسایی‌تفرشی و حسین علمی، «مفهوم نظم عمومی در حقوق بین‌الملل

خصوصی و جایگاه آن در داوری تجاری بین‌المللی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم

سیاسی، دوره ۴۳، ش ۱، (بهار ۱۳۹۲): ص ۱۰۲.

کنند دادگاه منتخب، ملزم به رسیدگی به دعوی خواهد بود. در جایی که هیچ‌کدام از طرفین در کشورهای عضو اتحادیه اروپا اقامت نداشته باشند دادگاه‌های کشورهای دیگر عضو، صلاحیت رسیدگی به دعوی را نخواهند داشت مگر اینکه دادگاه منتخب از خود سلب صلاحیت نماید.

اما آیا دادگاه ایران نمی‌تواند بر طبق قواعد داخلی کشور متبوع خود اعتبار این توافق را مورد بازرسی قرار دهد؟ توافق طرفین بر صلاحیت دادگاه آلمان به معنای سلب صلاحیت از دادگاه ایرانی اصولاً صلاحیت‌دار است. دادگاهی که بر مبنای محل اقامت خوانده، محل وقوع عقد یا ... موظف به رسیدگی بوده است. بدیهی است دادگاه ایرانی باید بر طبق نظام حقوقی ایران به این مساله رسیدگی نماید و تنها در صورت پذیرش اصل انتخاب دادگاه صالح در حقوق ایران، از رسیدگی خودداری کند. بنابراین، در تعارض دادگاه‌ها و مساله صلاحیت، امکان احاله متصور نیست و دادگاه ایرانی نمی‌تواند بررسی صحت یا بطلان شرط را به دادگاه آلمان واگذار نماید.

درنهایت، دادگاه ناچار است درباره اعتبار یا بطلان توافق در حقوق ایران اتخاذ تصمیم نماید. این وظیفه در دعوی مذکور نه در قسمت استدلال بلکه در قسمت نتیجه با استناد به ماده ۱۰ قانون مدنی و ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی بیان شده است. پیش از بررسی استناد قانونی دادگاه، شایان ذکر است که در صورت عدم اعمال صلاحیت به نفع دادگاه خارجی، قرار عدم صلاحیت صادر نمی‌شود. این قرار در جایی است که هر دو دادگاه مرتبط ناشی از یک سیستم قضایی باشند. در صورت عدم اعمال صلاحیت به نفع دادگاه متعلق به سیستم خارجی، عندالاقضاء صدور قرار توقیف دادرسی یا قرار رد دعوی از تناسب منطقی بیشتری برخوردار است.

د- امری یا تکمیلی بودن قواعد صلاحیت:

استناد به ماده ۱۰ قانون مدنی در رأی دادگاه به معنای پذیرش توافقنامه صلاحیت و انصراف از رسیدگی به نفع دادگاه خارجی است. آیا اعمال ماده مذکور بر حوزه آیین دادرسی مدنی امکان‌پذیر است؟ آیا قواعد صلاحیت مندرج در قانون آیین دادرسی برای اصحاب دعوی جنبه اختیاری دارد و طرفین می‌توانند برخلاف آن قواعد توافق کنند؟

اتحادیه اروپا شرط صلاحیت، یکی از مهم‌ترین قواعد صلاحیت قضایی دادگاه‌های داخلی کشورهای عضو می‌باشد، ولی این قاعده در مواردی که توازن قدرت اقتصادی در میان متعاملین وجود ندارد (مثل رابطه تاجر و مصرف‌کننده) بر طبق ماده ۱۶ آیین‌نامه شماره ۲۰۰۱/۴۴ اتحادیه اروپا اعمال نمی‌شود. در ایالات متحده حتی در یک رابطه کاملاً تجاری نیز شرط دادگاه صالح برای دادگاه الزام‌آور نیست و دادگاه، فارغ از توافق اصحاب دعوی می‌تواند نسبت به صلاحیت خود اظهارنظر کند.^۱ کنوانسیون ۲۰۰۵ لاهه درباره توافقنامه انتخاب دادگاه اگرچه از اکتبر ۲۰۱۵ لازم‌الاجرا شده است و نزدیک به سی کشور به آن ملحق شده‌اند، ولی محتویات آن جزء عرف بین‌المللی و قواعد آمره بین‌المللی نبوده و برای کشورهای غیرعضو الزام‌آور نیست. ایالات متحده این کنوانسیون را امضاء کرده است ولی هنوز در این کشور لازم‌الاجرا نیست.^۲

ج- احاله مساله صلاحیت به دادگاه خارجی

دادگاه برلین در صورت طرح دعوی بر طبق قانون کشور متبوع خود باید درباره مساله صلاحیت، اتخاذ تصمیم نماید. به‌طور کلی صلاحیت قضایی به عنوان بخشی از مسائل دسته آیین دادرسی، همواره از عامل ارتباط قانون مقرر دادگاه تبعیت می‌کند و نمی‌توان مساله صلاحیت را بر طبق قانون کشور دیگر اعم از کشور منتخب طرفین یا کشور محل وقوع عقد مورد سنجش و ارزیابی قرار داد. البته در حال حاضر آلمان به دلیل عضویت در اتحادیه اروپا از آیین‌نامه شماره ۲۰۰۱/۴۴ اتحادیه اروپا درباره صلاحیت، شناسایی و اجرای احکام پیروی می‌کند. بر طبق ماده ۲۳ آیین‌نامه مذکور اگر طرفین (که یک یا چند نفر از آنان مقیم در یک کشور عضو اتحادیه اروپا هستند) بر صلاحیت دادگاه یک کشور عضو توافق

۱. رضا مقصودی، «شروط صلاحیت قضایی در حقوق بین‌الملل خصوصی»، مجله پژوهشنامه حقوقی،

سال اول، ش ۲، (۱۳۸۹): ص ۱۵۰.

2. <https://www.hcch.net/en/instruments/conventions/status-table/?cid=98>

در نگرش فقهی اگر دو نفر با توافق نزد قاضی رفتند، یکی از آنها حق عدول ندارد. در فقه، انتخاب قاضی در اختیار طرفین است و صحبت از قاضی مستقر در محل اقامت مدعی یا مدعی‌علیه نیست، اما به این نکته نیز اشاره شده که گاه لازم است دعوی در محل دیگری که طرفین حضور ندارند، طرح شود. مانند محل اقامت شهود تا به سبب مسافت و دشواری حضور شهود حق کسی ضایع نشود.^۱

در ایران برخی حقوقدانان، مقررات صلاحیت محلی را آمره نمی‌دانند. آزادی طرفین در انتخاب دادگاه، اصلی‌ترین جلوه آزادی قراردادی در قراردادهای بین‌المللی است. تقبل صلاحیت قضایی بین‌المللی نسبت به دعاوی خصوصی بین‌المللی مبتنی بر اصولی است که از مهم‌ترین آنها می‌توان آزادی اراده طرفین دعوی در انتخاب دادگاه مورد نظر خویش را نام برد.^۲

اما عده‌ای، حاکمیت اراده در صلاحیت قضایی را مغایر با نظم عمومی می‌دانند.^۳ در این باره می‌توان استدلال کرد که وقتی اراده طرفین در تعیین قانون حاکم مؤثر نباشد به طریق اولی در تعیین دادگاه صالح تأثیری ندارد. آمیختگی آیین دادرسی با حقوق عمومی و تکلیف دولت به حل و فصل دعاوی و احقاق حق، با ادعای تکمیلی بودن قواعد آیین دادرسی قابل انطباق نیست. خصوصاً اینکه پذیرش توافق بر صلاحیت دادگاه خارجی به معنای سلب صلاحیت از همه دادگاه‌های ایران است. در نتیجه، پذیرش شرط متعاقدين، اعمال صلاحیت قضایی - که از مختصات مهم حاکمیت دولت است - در عرصه روابط بین‌المللی بازیچه دست اشخاص خصوصی قرار می‌گیرد.

۱. عبدالله خدابخشی، مبانی فقهی آیین دادرسی مدنی و تأثیر آن در رویه قضایی، ج ۱، (تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۹۰)، ص ۱۴۴.
۲. محمود باقری، «حدود آزادی طرفین در تعیین صلاحیت قضایی بین‌المللی»، فصلنامه حقوق، دوره ۳۷، ش ۳، (پاییز ۱۳۸۶): ص ۳۶.
۳. ناصر کاتوزیان، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، (تهران: انتشارات میزان، چاپ دهم، ۱۳۸۳)، ص ۸۵۰.

در حال حاضر علی‌رغم فقدان صراحت قانونی در ایران، طرفین می‌توانند با تعیین اقامتگاه انتخابی در محل خاصی اقامه دعوی کنند.^۱

در بادی امر، قواعد صلاحیت بین‌المللی امری به نظر می‌رسد و طرفین قرارداد نمی‌توانند برخلاف آن توافق کنند. دلایلی نیز بر این ادعا می‌توان ارائه نمود: توزیع متناسب دعوی میان حوزه‌های قضایی، جلوگیری از تراکم پرونده‌ها در یک حوزه خاص و ایجاد اطاله دادرسی و دسترسی مناسب به ادله اثباتی جزء اهداف قواعد صلاحیت قضایی است. این اهداف به خوبی نشان می‌دهد که قواعد صلاحیت، علاوه بر منافع طرفین دعوی، براساس منافع اشخاص ثالث و مصالح عمومی وضع شده‌اند، لذا این قواعد، تنها در پی تأمین منافع طرفین دعوی نیست تا آنها برای دادرسی، به میل خود به دادگاه دیگری مراجعه کنند.

با این وجود، منافع روابط اقتصادی بین‌المللی، که مستلزم عدم مداخله دولت در توافق خصوصی متعاقدين به بهانه قواعد امری است، نه تنها برای اشخاص خصوصی بلکه برای دولت‌ها چنان زیاد است که تلقی «امری» از قواعد صلاحیت در پای منافع خصوصی و مصالح عمومی بزرگ‌تر مجال ظهور نمی‌یابد.

هـ- عدم ذی‌نفعی خواهان:

دادگاه در مقام رد دعوی خواهان راجع به ابطال توافقنامه انتخاب دادگاه علاوه بر ماده ۱۰ قانون مدنی به ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی استناد کرده است. مطابق ماده مزبور (ماده ۲)، هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوی رسیدگی کند مگر اینکه شخص یا اشخاص ذی‌نفع یا وکیل یا قائم‌مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعوی را برابر قانون درخواست نموده باشند.

مسئلاً اصحاب دعوی به‌ویژه خواهان در صحت یا بطلان شرط انتخاب دادگاه، ذی‌نفع است. بنا بر صحت یا بطلان چنین شرطی، حقوق و تکالیف اصحاب دعوی تغییر می‌یابد. این تغییرات نه تنها از حیث قانون ماهوی قابل اعمال می‌باشد بلکه

۱. همایون مافی و رشید ادبی‌فیروزجایی، «صلاحیت دادگاه‌های ایران در قلمرو حقوق بین‌الملل خصوصی»، نشریه دانش حقوق مدنی، سال سوم، ش ۲، (پاییز و زمستان ۱۳۹۳): ص ۵۷.

نتیجه‌گیری

تلقی «امری» از ماده ۹۶۸ قانون مدنی و استفاده از قیاس اولویت، ما را به این نتیجه می‌رساند که همان‌طور که اتباع ایرانی حق انتخاب قانون حاکم را در روابط بین‌المللی ندارند، به همان ترتیب نباید از حق انتخاب دادگاه صالح نیز برخوردار باشند و به صلاحیت دادگاه خارجی برای حل و فصل اختلافات توافق نمایند.

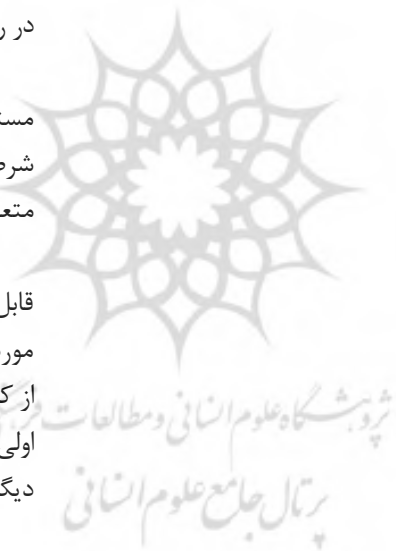
رویه واحد و جهان‌شمول درباره شرط انتخاب دادگاه صالح در کشورهای مختلف وجود ندارد و لذا اعتبار این شرط با نظم عمومی بین‌المللی یا نظم عمومی فراملی ارتباطی ندارد. از آنجا که پذیرش چنین شرطی به معنای اغماض از حق صلاحیت قضایی و کوتاه آمدن از حق حاکمیت دولت می‌باشد کمتر از شرط انتخاب قانون حاکم در روابط بین‌المللی مورد استقبال دولت‌ها و دادگاه‌های ملی قرار گرفته است.

اما از سوی دیگر، ضرورت تأمین ثبات و قابلیت پیش‌بینی در روابط بازرگانی مستلزم احترام به توافق اصحاب قرارداد است خصوصاً اینکه نادیده گرفتن یک شرط از قرارداد، موجب اخلال در تعادل و توازن ناشی از قرارداد می‌شود که متعاقبین در مذاکرات پیش از قرارداد به آن دست یافته‌اند.

دلایل حقوقی و نیز تحلیل‌های اقتصادی فراوانی به نفع شرط انتخاب دادگاه قابل ارائه است. در بسیاری از نظام‌های حقوقی از جمله حقوق ایران شرط داوری مورد پذیرش قرار گرفته است. قبول چنین شرطی به معنای تجویز سلب صلاحیت از کلیه مراجع قضایی به نفع عدالت خصوصی است. بنابراین، در چنین فضایی به طریق اولی باید شرط انتخاب دادگاه صالح را، که به معنای اعراض از یک دادگاه به نفع دادگاه دیگر است، مورد پذیرش قرار داد.

با این وجود اعتبار مطلق، شرط انتخاب دادگاه صالح مطلوب و منطقی نیست. لازم است با اصلاح قانون، شرط انتخاب قانون حاکم و نیز شرط انتخاب دادگاه صالح در معاملات بازرگانی تجویز شود و در خارج از محدوده روابط تجاری چنین توافقی بی‌اعتبار قلمداد گردد.

از حیث مسائل شکلی و آیین دادرسی نیز کاملاً محسوس و آشکار است، زیرا هر دادگاهی از جهت مسائل شکلی و ادله اثباتی و هزینه دادرسی و دستورات فوری و ... از قواعد قانون مقرر تبعیت می‌کند، لذا صدور قرار رد دعوی به دلیل فقدان ذی‌نفعی خواهان، فاقد توجیه حقوقی است مگر آنکه منظور از استناد به ماده ۲ قید مندرج در قسمت اخیر این ماده باشد یعنی اینکه درخواست رسیدگی ذی‌نفع اعم از طرف قرارداد یا وکلای آنها برابر قانون انجام نشده و دعوی منطبق با قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران طرح نشده است.



فهرست منابع

۱. الماسی، نجادعلی، **حقوق بین‌الملل خصوصی**، تهران: انتشارات میزان، چاپ سوم، ۱۳۸۴.
۲. باقری، محمود، «حدود آزادی طرفین در تعیین صلاحیت قضایی بین‌المللی»، **فصلنامه حقوق**، دوره ۳۷، ش ۳، پاییز ۱۳۸۶.
۳. پژوهشگاه قوه قضاییه، **مجموعه آرای قضایی دادگاه تجدیدنظر استان تهران (حقوقی)**، اداره انتشار رویه قضایی کشور، اردیبهشت ۱۳۹۲.
۴. حدادی، مهدی، «مقایسه مفهوم و کارکرد نظم عمومی در نظام حقوق بین‌الملل با نظام‌های حقوقی ملی»، **نشریه حقوق خصوصی**، سال هفتم، ش ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۸۹.
۵. خدابخشی، عبدالله، **مبانی فقهی آیین دادرسی مدنی و تأثیر آن در رویه قضایی**، ج ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۶. شهبازی‌نیا، مرتضی، محمد عیسیایی تفرشی، حسین علمی، «مفهوم نظم عمومی در حقوق بین‌الملل خصوصی و جایگاه آن در داوری تجاری بین‌المللی»، **فصلنامه حقوق**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۳، ش ۱، بهار ۱۳۹۲.
۷. کاتوزیان، ناصر، **قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی**، تهران: انتشارات میزان، چاپ دهم، ۱۳۸۳.
۸. مافی، همایون و رشید ادبی فیروزجایی، صلاحیت دادگاه‌های ایران در قلمرو حقوق بین‌الملل خصوصی، **نشریه دانش حقوق مدنی**، سال سوم، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳.
۹. مقصودی، رضا، «شروط صلاحیت قضایی در حقوق بین‌الملل خصوصی»، **مجله پژوهشنامه حقوقی**، سال اول، ش ۲، ۱۳۸۹.

10. <https://www.hcch.net/en/instruments/conventions/stat-us-table/?cid=98>

